

# انتخاب قدرت دارد!

صبح  
ماہنامہ ای  
برمبنای  
سیاست روز

سال پنجم / شماره هجدهم / رایگان / سه شنبه بیست و چهارم فروردین ماه سال ۱۴۰۰

در این شماره می خوانید

بررسی پرونده نفوز در حوزه

زندگی نامه شهید صدر

بررسی سابقه نامزد دهائی احتمالی

مهارت انتخاب سالم

مایلم بینیم یا دیده شویم؟

۰۰۰۰ و





بسم الله الرحمن الرحيم

امروز ۴۲ سال، از شروع حکومت جمهوری اسلامی می‌گذرد. و تاکنون انتخابات مختلفی در کشور برگزار شده و هر کدام با تنش‌ها و گفتمان‌های متفاوتی به روی کار آمده‌اند. گاهی با وعده رونق اقتصادی، گاهی با وعده توسعه‌ی سیاسی و گاهی با تعریف از عدالت و حمایت از قشر ضعیف جامعه. این‌ها همگی جزو شعارها و گفتمان‌های اوایل انقلاب نیز بودند و مردم با امید تحقق این وعده‌ها انقلاب کردند و خواستار شروعی متفاوت شدند؛ پس بدیهی است که هرگاه کسی با همین وعده‌ها خود را نامزد انتخابات کند، مردم به سوی او جذب خواهند شد. مهم‌ترین مسئله، گفتگو و مشورت، پیش از هر انتخابی است. گفتمان‌هایی که اثر مستقیم بر روی نتیجه انتخاب ما خواهند داشت، چه در زمینه مسائل فردی مانند انتخاب رشته پس از کنکور که به سراغ مشاور و افراد مطلع می‌رویم و چه در انتخاب‌های اساسی کشور، مانند انتخابات ریاست جمهوری. که این گفتمان‌ها به دلیل آن که وسعت بیشتری دارد و اکثر شرایط جامعه را دربرمی‌گیرد باید خیلی حساب شده انتخاب شود نه فقط با هدف قراردادن احساسات مردم و پیدا کردن نقطه ضعفشان. به طور مثال در سال ۹۲، همراه آن که بحث از برجام و توسعه سیاسی و اقتصادی بود، گفتمان اکثریت جامعه به سمت ناامیدی رفت، در بین مردم حرف از ناامیدی در ازدواج، تهیه مسکن، بیکاری و امثالهم بود و با ایجاد شدن این گفتمان امید، شعار مطرح جامعه شد: دولت تدبیر و امید. و به این معنی در بین مردم تفسیر شد که اگر برجام شکل بگیرد؛ با تدبیر مسئولین، وضع اقتصادی بهتر خواهد شد و دلار قیمت معقولی پیدا خواهد کرد که در نتیجه مشکلات اقتصادی از بین خواهد رفت و امید دوباره در مردم پدیدار خواهد شد که می‌بینیم در اواخر دولت تدبیر و امید هستیم اما امید مردم از ۶٪ به ۲۰٪ کاهش پیدا کرده است و این یعنی نتیجه‌ی فاجعه‌آمیز. پس از گفتمان، شعارهای انتخاباتی مطرح می‌شود، کسانی که با رویای محقق شدن گفتمان‌های مطرح جامعه، سعی در جذب مخاطب و رای دارند. اما نکته مهم این است که کاندیدایی که تنها با وعده و شعار، به مسئولیت برسد، قطعاً در اجرای مسائل هم با شعار و وعده، سعی در رفع تکلیف کردن، خواهد نمود. و هنگامی که شعار و گفتمان درست نباشد قطعاً نتیجه انتخاب هم درست نخواهد بود، پس باید جور دیگری به انتخابمان نگاه کنیم، اینکه این فرد منتخب قرار است مسئولیتی بپذیرد و مجری قوانین و خواسته‌های مردم باشد، پس تنها تکیه بر شعارهای انتخاباتی کافی نیست، باید دقیق‌تر جستجو کنیم و مسئولیت‌پذیرتر در انتخاب کردن، عمل کنیم. که برای این امر باید آگاهی خودمان را نسبت به جامعه، خواسته‌ها و پیشینه‌ی هر کاندیدا بالا ببریم، منطقی به گفتمان‌ها و شعارها نگاه کنیم و با هر حرف و گفتگویی احساساتی نشویم و مهم‌تر از همه به وحدت فکری برسیم. وحدت فکری در کل جامعه، به آن معنی که خواسته‌هایمان مشخص و منطقی باشد، مطالبه‌گر باشیم و برای احقاق حقوقمان حرف بزنیم و جواب بخواهیم و زود خسته نشویم و مهم‌تر از همه به انتخاب اصلح فکر کنیم، نه صرفاً کاندیدای مورد نظر خودمان! که اگر به این سطح از آگاهی برسیم، هیچ‌گاه از انتخابمان پشیمان نخواهیم شد و در هر دوره به نتایج و مطالبات خود خواهیم رسید.

نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی سجاد

صاحب‌امتیاز زهرامحمدزاده

مدیر مسئول زهرامحمدزاده

سردبیر زهراسربایار

طراح و صفحه‌آرا کوثر زکی‌زاده

ویراستار کوثر کرباس‌فروشان

هیئت تحریریه مائده ایران‌نژاد، ریحانه تفقیدی، زینب عقیلی، مریم‌سلطان‌احمدی، زهرامحمدزاده، فاطمه‌فروتن، زهراسربایار، کوثر زکی‌زاده، سیدزهراسحینی، سیده‌نقیسه‌حسینی، مطهره‌مهدی‌پسند

فهرست

- ۲ - نفوذ در حوزه  
رد و پای سلیقه شخصی
- ۳ - نگاهی به کاندیداتورها  
جهت‌گیری کاندیدها در وقایع حساس تاریخ سیاسی معاصر
- ۴ - مهارت انتخاب  
بررسی عواملی که یک انتخاب خوب می‌سازد
- ۵ - به من نگاه کن!  
دوست داریم دیده شویم یا ببینیم؟
- ۶ - سلامت زنان  
بررسی جایگاه زنان در اجتماع
- ۶ - روز جوان  
روایتی از شانزدهم آذرماه ۱۳۳۲
- ۷ - پر آوازه گمنام  
روایتی از عالم مجاهد، شهید صدر
- ۸ - عید باستانی نوروز  
نگاهی به ریشه عید نوروز
- ۹ - بد یادمان داده‌اند  
پیرامون جشن یک منتظر
- ۱۰ - انتظار  
نگاهی متفاوت به مسئله انتظار

امیرالمومنین علیه السلام

مرگ، در زندگی توام با شکست شماس  
و زندگی در مرگ پیروزمندان شما.  
(نهج البلاغه، خطبه ۵۱)





## نفوذ در حوزه رد و پای سلیقه شخصی

مطهره مهدی پسند - کارشناس علوم قرآن و حدیث



نفوذ چگونه صورت می‌گیرد؟

برای ضربه زدن به هر مکتبی شما سراغ شاخ و برگ نمی‌روید؛ اگر مثلا شما شاخ و برگ یک گیاه را بچینید، اتفاقا بهتر رشد می‌کند ... فلذا برای نابودی یک درخت باید ریشه‌های آن را معدوم کرد. به طور مثال ما، به عنوان جریان انقلابی برای تضعیف غرب و فرهنگ آن ابتدا می‌رویم فلسفه غرب را مطالعه می‌کنیم، وقتی ریشه غرب را شناختیم و مطالعه، تحلیل و بررسی‌ها انجام شد، حالا می‌توانیم به اقتضای شناخت نقاط ضعف و قوت به آن ضربه بزنیم. یک نفر می‌تواند بگوید تحریف می‌کنیم، یک نفر دیگر می‌گوید بدعت را در آن بیاوریم. از آنجایی که ما اعتقاد داریم با این مطالعه و شناخت فلسفه غرب و شناخت معارف الهی و اسلامی خودمان، ریشه غرب فقط باید خشکانده شود، ما از طریق ثبوتی و سلبی یعنی هم در تایید حکمت خودمان هم در رد فلسفه غرب کار می‌کنیم. در مقابل، دین اسلام و مذهب تشیع را معاندین بررسی کردند، زنده‌ترین افراد در اتاق‌های فکر، ریشه‌شناسی کردند و به این نتیجه رسیدند تنها راه زمین‌زدن انقلاب شیعی، آنتی‌تیز از درون خود این مکتب هست. چرا؟ چون به این نتیجه رسیدند مکتب شیعه کاملا منطبق است بر فطرت انسان‌ها! اما فلسفه غرب را خودشان برای نابودی فطرت انسان‌ها تحلیل کردند. از همین نکته بسیار مهم دریافتند که نابود کردن تشیع و خشکاندن ریشه‌ی تشیع غیر ممکن است. اما چطور؟ معاندین به این نتیجه رسیدند ما اول باید این مکتب را به خوبی بشناسیم.

وقتی می‌بینند تشیع به این خاطر که پارادوکسی در علیه فطرت انسان‌ها ندارد و غیر قابل خشکاندن است، در نتیجه راه را در تحریف، انحراف و بدعت می‌بینند، به همین علت آن‌ها از در سلبی (به معنای نفی کردن و رد نمودن) وارد مذهب تشیع شدند. بررسی کردند و خروجی اتاق فکرشان طرحی شد مبنی بر این که دو قطبی دین آسان و پایه‌ریزی کرده و بسازند

ریشه این مکتب را طبیعتا از قم و نجف می‌توان شناخت. بعد از بررسی ریشه‌ها، آن‌ها به دوره رسیدند: یک: تعدادی از افراد خود را به حوزه‌های شهر قم و نجف برای تعلیم بفرستند و این افراد فقط در حوزه مطالعه شیعه کار و تحقیق کنند دو: افراد نفوذپذیر را در بیت‌ها شناسایی و در آن‌ها نفوذ و در پی آن بیوت شیعه را کنترل کنند.

شاید سوال برای شما پیش بیاید کدام راه را انتخاب می‌کنند؟ باید بگویم قطعا هر دو، نکته این است که اصل حوزه و مکتب اسلام و تشیع و اصول فقه ما هیچ خطایی ندارد. در واقع در هیچ جای رابطه علت و معلولی نفوذ در حوزه، نباید تصور کرد حوزه یا خود مکتب دوجار خطا است که مثلا خروجی آن شیعه انگلیسی باشد. ما همه انسانیم و هرکدام ضعف‌هایی داریم، یکی کمتر، یکی بیشتر، یکی ضعف ریشه‌ای، یکی سطحی و با این تفاسیر دشمنان تشیع بیکار نیستند. وقتی می‌بینند تشیع به این خاطر که پارادوکسی در علیه فطرت انسان‌ها ندارد و غیر قابل خشکاندن است، در نتیجه راه را در تحریف، انحراف و بدعت می‌بینند، به همین علت آن‌ها از در سلبی (به معنای نفی کردن و رد نمودن) وارد مذهب تشیع شدند. بررسی کردند و خروجی اتاق فکرشان طرحی شد مبنی بر این که دو قطبی دین آسان و دین سخت را پایه‌ریزی کرده و بسازند. ما شیعه‌ها برای خشکاندن غرب، هم مکتب خودمان را اثبات، هم مکتب آن‌ها را رد می‌کنیم.

قبل‌تر به نکته‌ای اشاره کردم که به اصل حوزه و مکتب اسلام و اصول فقه هیچ اشکالی وارد نیست. یعنی به هیچ عنوان از طریق تناقض‌نمایی نتوانستند نفوذ کنند وگرنه این یعنی مکتب دوجار خطا است. اما از چه طریق نفوذ می‌کنند؟ ماجرای اصلی از اینجا آغاز می‌شود. با عنوان حوزه، مکاتب مختلف تولید می‌شود. فرقه‌ها مختلف که به گوش می‌خورد از همین موارد است. در ادامه نکته‌ی مهمی است آن هم معاندین، شیعه را بررسی کردند و به نتیجه جالبی رسیدند آن هم: شیعه و مذهب تشیع عمق زیادی دارد و اثر عمیقی را بر مردم گذاشته است. مثلا یک محرم به تنهایی تمام برنامه‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آن‌ها را می‌تواند بی‌اثر کند. یک اربعین می‌تواند بزرگ‌ترین گردهمایی تمام بشر را رقم بزند. در اتاق فکرها بررسی کردند که چگونه عمق شیعه را کم کنیم؟ چگونه محرم را تکراری کنیم؟ جامعه‌ی آماری ایران را بررسی کردند و مشاهده نمودند محرم یک زمانی است که حتی بی‌حجاب‌ها یا مثلا کمتر مذهبی‌ها هم انتظار آمدن این ماه را می‌کشند و برای خشتی کردن آن به این نتیجه رسیدند که وقتی حرف از محرم شد، ایرانی‌ها بگویند: باز هم محرم.. یکی از کارهایی که روی آن تمرکز کردند، افزایش تعداد مناسک شیعیان است.

جامعه‌ی آماری ایران را بررسی کردند و مشاهده نمودند محرم یک زمانی است که حتی بی‌حجاب‌ها یا مثلا کمتر مذهبی‌ها هم انتظار آمدن این ماه را می‌کشند و برای خشتی کردن آن به این نتیجه رسیدند که وقتی حرف از محرم شد، ایرانی‌ها بگویند: باز هم محرم.. یکی از کارهایی که روی آن تمرکز کردند، افزایش تعداد مناسک شیعیان است.



دهه‌های عزاداری را زیاد کردند، به قدری که در مذهبی‌ها افراط در مناسک را خوب جا انداختند و از اینجا وارد ریشه یعنی بحث نفوذ می‌شویم، همینطوری که نمی‌شود یک دفعه‌ای مناسک را زیاد کرد، نمی‌شود مراسماتی که وحدت شیعه و سنی را از بین می‌برد را یک دفعه‌ای شروع کرد. نمی‌شود قمه زنی را یک دفعه‌ای رواج داد، از اینجا نوبت به کار تولید می‌رسد. باید فقیه‌ی را تولید کرد که همه‌ی این‌ها را رواج دهد، باید فقیه سازی کرد!

آیا ایراد از اصل حوزه و مکتب هست؟! برای فقیه سازی که نمی‌شود شمشیر را از رو بست، طرف باید تا درجات بالا، بی‌سروردا نفوذ کند. خوب فقه شیعه را بشناسد و نباید در این مسیر انحراف داشته باشد تا اثبات شود آدم درستی نیست. وقتی که خوب جای پایش محکم شد، مرجع هم شد، خوب مقلد پیدا کرد، حالا شروع می‌کند به دادن فتواهای نادرست!

انگلیس شروع می‌کند به برداشت بذری که برایش چندین سال زحمت کشیده‌است. به او می‌گوید فی‌الحال تو به نام یک مرجع شیعه هستی، قمه زنی علنی را حلال کن تا شیعه را خلاف فطرت انسان نشان بدهیم. در حالیکه اول بحث گفتم اصل شیعه، حوزه و مکتب منطبق بر فطرت انسان است و آن‌ها نمی‌توانند از طریق مکتب دیگر با آن درگیر شوند. دشمن برای نفوذ بیکار نیست، برای پوشاندن لباس فقیه و آخوند به نیروهای خودش بیکار نیست. الکی هم که نمی‌شود فقیه ساخت، باید حتما کسی دارای مقبولیت مردمی باشد، پس اول مثل یک انسان با تقوا، باید فقه را بخواند آن هم در قم و نجف، بعد که خوب رشد کرد، فصل برداشت می‌رسد. آن موقع تازه پرده‌ها کنار می‌رود. مثلا می‌شود فلان شخص دینی که خوب درس‌هایش را خواند و خبری در آن نبود وقتی که خوب مسلط شد و مردم به نام عالم دین و تشیع او را شناختند، در موقع حرف از عرفان می‌زند و اسلام رحمانی. از چه طریق؟ دو قطبی دین سخت و آسان، دو قطبی خوف و رجا. پس بحث نفوذ در حوزه به معنای اشکال و خلل در اصل حوزه نیست!

دو چیز مهم است: اول نفوذ برنامه‌مند از ابتدا و ثانيا شناسایی و بررسی افراد حوزوی که در مواردی خاص نقطه ضعف دارند ( هرکسی نقطه ضعف خاص خود را دارد، نقطه ضعف یکی می‌شود این که در ضدیت با سنی‌ها افراط دارد، یکی نقطه ضعف شهوت دارد، شهوت مقام، شهوت مال و یکی ساده لوح است. چیزی که در قسمت سوءتفاهم‌ها عرض کردم. پس نتیجتا در اصل حوزه و مکتب تشیع هیچ اشکالی وجود ندارد، یعنی مبنای نفوذ روی خشکاندن ریشه نیست چون امکان ندارد، بلکه نفوذ برنامه‌مند بلند مدت و نفوذ هدفمند شخص محور براساس ضعف می‌باشد. نفوذ را بررسی کردیم اما آیا مهم تر از نفوذ چه چیز می‌تواند به بدنه حوزه علمیه صدمه وارد کند. اختلافات و تهدیدات اصلی را در شماره بعدی بررسی می‌کنیم.



# نگاهی به کاندیداتورها!

## جهت‌گیری کاندیدها در وقایع حساس سیاسی دهه اخیر

زهرا محمدزاده - کامپیوتر ۹۶



به یک رئیس کمیسیون مجلس وقت پرداخت شده‌است. محمدباقر قالیباف درست است که فردی اصولگرا محسوب می‌شود، اما او تکنوکراتی است که خود را در جریان اصولگرایی جای داده‌است. او در اواخر تیرماه ۹۶ تأکید کرد: اصول‌گرایی باید با حفظ مبانی و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، حرکت در راستای «نو اصولگرایی» را هر چه زودتر آغاز کند.

### سعید جلیلی

دپلمات سابق و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق، اصولگرا

### جنگ تحمیلی

سعید جلیلی در طول هشت سال جنگ تحمیلی بارها در جبهه حضور یافت، و در نهایت در سال ۶۵ جانباز شد و یک پایش را از دست داد.

### فتنه ۸۸

او در سال ۸۸ سومین دبیر شورای عالی امنیت ملی بود. سعید جلیلی معتقد بود که برخورد با فتنه ۸۸ نشانه «اقتدار نظام» و «مردم‌سالاری» حقیقی است. گفتنی‌ست که جلیلی یکی از مؤثرترین افراد در کنترل و آرامش فتنه ۸۸ بود.

### برجام

سعید جلیلی در سال ۹۴ و ۹۵ از مخالفین برجام بود، او در این باره می‌گوید: عمده‌ترین هدف‌گذاری مذاکرات لغو تحریم‌هاست والا مذاکره برای چه شده‌است؟ مقام معظم رهبری فرمودند که توقف و تحریم نداریم، تعلیق نداریم، باید تحریم‌ها لغو شود. آیا با بررسی برجام و قطعنامه چنین هدفی به دست می‌آید؟! پاسخ خیر است، چون تحریم‌ها می‌ماند.

سعید جلیلی فاقد تجربه کار اجرایی، فردی انعطاف‌ناپذیر، ایدئولوژیک و دوربین‌گریز است. شاید نام «دولت در سایه» را کمتر شنیده باشید اما این نام پس از شکست سعید جلیلی در انتخابات ۹۲ آشکار شد، وی مدل حکومتی «دولت در سایه» را پیشنهاد داد، زیرا وظیفه دولت در سایه کمک و کم‌کردن کاستی‌های دولت مستقر می‌باشد، که برگرفته از مدل حکمرانی بریتانیا است و اکنون در انتخابات ۱۴۰۰ او م، خواهد با کاندید شدن دوباره خود دولت در سایه را آشکار تبدیل کند.

شک موفقیت بزرگی است. اما او چند سال بعد و در سال ۹۷ عنوان کرد: در برجام رفتیم چه اتفاقی افتاد؟ نه مشکلات اقتصادی ما حل شد، نه مشکلات سیاسی ما حل شد، نه دشمنی آنها رفع شد، ما نباید در روش مبارزه بد سلیقه‌ی کنیم و به اصطلاح گاف بدهیم. همچنین گفتنی‌ست محمدباقر قالیباف از سال ۸۴ تا ۹۶ تصدی شهرداری تهران را به عهده داشته‌که هرچند دوره موفقیت‌آمیزی برای شهرداری تهران محسوب می‌شد، اما درباره بودجه‌های مالی شهرداری ابهامات فراوانی است و چندی بعد چند مورد فساد مالی از شهرداری نمایان شد. به عنوان مثال؛ بیش از ۲۰۰۰ ملک واگذار شده بود که پرونده تخلف آن هم‌چنان باز است. یا در اسفندماه ۹۵ تحقیق و تفحص از شهرداری تهران توسط نمایندگان مجلس به اجرا گذاشته شد، اما رای لازم را نیاورد و در سال ۹۹ مشخص شد رشوه‌ای ۶۵ میلیارد تومانی برای جلوگیری از تحقیق و تفحص

در شماره‌ی قبلی نشریه به بررسی عملکرد و موضع‌گیری‌های دو تن از کاندیداهای احتمالی پرداختیم. آقایان محمدجواد ظریف و علی لاریجانی را زیر ذره‌بین بردیم تا بار دیگر حافظه تاریخی خود را مرور کنیم. در این شماره، قبل از آنکه به سراغ دو تن از کاندیداهای احتمالی دیگر برویم چند خطی را درباره محمدجواد ظریف که این روزها جنجالی‌تر از گذشته به فعالیت خود در وزارت خارجه ادامه می‌دهد می‌پردازیم. این روزها، برخلاف شرط جدی رهبری برای ادامه برجام که برداشتن تمامی تحریم‌ها است، تیم وزارت خارجه ایران مذاکرات جدی با طرف غربی انجام داده‌است. آقای ظریف چندی پیش فرموده بودند: ما بر خلاف موازین و نظرات رهبری کاری انجام نمی‌دهیم، حال مذاکرات اخیر برخلاف حرف ایشان نیست؟! آیا گاندوی سه دیگری در وین در حال انجام است؟! در ادامه به بررسی عملکرد و موضع‌گیری‌های دو تن از کاندیداهای احتمالی یعنی آقایان محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی در اتفاقات مهم تاریخی ایران می‌پردازیم:

### محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس دوره یازدهم، دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس، اصولگرا

### جنگ تحمیلی

سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۴ در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش آفرینی کرد. او در هشت سال جنگ تحمیلی مسئولیت فرمانده گردان و فرمانده تیپ را به عهده داشت و از نیروهای اطلاعاتی جنگ به شمار می‌رفت.

### فتنه سال ۱۳۸۸

او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ نامزد نشد، اما در اسفند ماه ۸۸، در حکمی، یکی از متهمان حوادث بازداشتگاه کهریزک و حمله به کوی دانشگاه تهران را به سمت رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران استان تهران منصوب کرد.

همچنین در طی یک سخنرانی درباره سران فتنه گفت: آنان مجرم هستند و غلط است بگوییم که آن‌ها با عذرخواهی می‌توانند برگردند.

### برجام

در سال ۹۴ و در ابتدای شروع برجام از موافقان این طرح بود و در این خصوص گفت: با توجه به شرایط بین‌المللی امروز مجموعه برجام در نگاه کلی بدون

این روزها، برخلاف شرط جدی رهبری برای ادامه برجام که برداشتن تمامی تحریم‌ها است، تیم وزارت خارجه ایران مذاکرات جدی با طرف غربی انجام داده‌است. آقای ظریف چندی پیش فرموده بودند: ما بر خلاف موازین و نظرات رهبری کاری انجام نمی‌دهیم، حال مذاکرات اخیر برخلاف حرف ایشان نیست؟! آیا گاندوی سه دیگری در وین در حال انجام است؟!





## مهارت انتخاب

### بررسی عواملی که یک انتخاب خوب می‌سازد

سیده زهرا حسینی - کامپیوتر ۹۶



ما انسان‌ها در برخورد با شرایط مختلف زندگی، تصمیمات متفاوتی می‌گیریم. این تصمیم‌گیری‌ها به قدری در زندگی ما نقش دارند که می‌توان گفت دنیای هر شخص براساس انتخاب‌های او ساخته می‌شود. در زندگی فردی، اگر انتخابمان موفق بوده باشد، باید در جهت رسیدن به آن هزینه و تلاش کنیم و ثمره انتخابمان دیر یا زود به زندگی‌مان بازمی‌گردد. در زندگی اجتماعی نیز همین‌طور است، یعنی اساس زندگی در اجتماع بر این است که در ابتدا باید تصمیم سازنده و مثبتی گرفته شود و سپس جامعه در راه رسیدن به هدف مورد نظر گام بردارد.

پس اگر تصمیمی نباشد، هدفی برای رسیدن وجود ندارد و یا اگر تصمیم و انتخابی باشد اما در راه درستی نباشد خواهیم دید که هر چه بیشتر در راه آن انتخاب پیش می‌رویم و تلاش می‌کنیم، از اهداف متعالی جامعه دورتر می‌شویم. هیچ جامعه‌ای، تغییر مثبتی نخواهد داشت، مگر اینکه افراد آن جامعه تصمیم بر ایجاد تغییر مثبت در جامعه‌شان را داشته باشند و برایش تلاش کنند. این که اصولاً چرا باید انتخاب کرد سوال خیلی از انسان‌هاست. نکته‌ای که در جواب این مسئله باید مطرح شود این است که انسان مسئول کارهای خویش و حتی مسئول بی‌انتخابی خود نیز است! چرا که از قدیم گفته‌اند، اگر خودت برای خودت انتخاب نکنی، دیگران برای انتخاب مسیر و هدفت تصمیم‌گیری خواهند کرد و شاید نتیجه آن تصمیم مورد قبول تو و در مسیر هدف جامعه‌ی تو نباشد. جدا از این‌ها هر فرد در هر جامعه (حتی کوچک) وظیفه دارد که آن جامعه را به سمت راستی و درستی سوق دهد و حتی اگر هیچ امیدی به اصلاح آن جامعه نباشد باز هم نباید وظیفه اجتماعی خود شانه خالی کند. از دید دیگر، این حق هر انسان است که بتواند در مدیریت یک جامعه به اندازه خود نقش داشته‌باشد و اگر انتخابی نکند، این حق را از خود سلب نموده‌است. در جواب این یکی از سوالات مهم این است که ملاک یک انتخاب درست چیست؟ و اصلاً چه کسی تعیین می‌کند که یک انتخاب درست است یا غلط؟

یعنی نباید به هر فرد یک جانبه بنگرید بلکه باید تمام عوامل موثر در مدیریت درست کشور را در آن فرد مورد بررسی قرار دهید. به عنوان مثال اگر در حرفه‌ای مشغول به کار هستید و می‌دانید که انتخاب یک فرد به عنوان ریاست جمهوری می‌تواند برای شما و حرفه شما مفید باشد، و صرفاً بر همین اساس انتخاب کنید، انتخاب شما ناآگاهانه است؛ چرا که چیزی که شما باید بدانید این است که آیا مجموعه ویژگی‌های آن فرد برآیند مثبت دارد یا منفی؟

قطعا هر شخص نکات مثبت و منفی خاصی دارد و ما باید مجموعه‌ای از ویژگی‌های آن فرد را مورد قیاس با بقیه قرار دهیم و نه فقط یک نکته مثبت و یا منفی او را. حال باید دید ویژگی‌های مورد نظر چه نوع ویژگی‌هایی هستند؟

از نظر آقای فرد گرینشتین، استاد برجسته سیاست در دانشگاه پرینستون، یکی از ویژگی‌های ساده برای انتخاب یک فرد در جوامع کوچک‌تر مانند رئیس اداره یا محل کار، می‌تواند مهارت سیاسی او باشد.

یعنی از سیاست‌های داخلی جامعه خودش مطلع باشد و همین‌طور از سیاست‌های شرکت‌های رقیب خود. و باید بداند که در هر برهه از مشکلات چه تصمیمی اتخاذ کند که شرکتش از سختی‌ها و تنگناها با به دست آوردن سود بالا عبور کند. پس در درجه اول باید خواسته‌اش پیشرفت شرکت خودش باشد و بدون داشتن هیچ بیمی از رقیب و برنامه‌هایش، با آگاهی کامل در جهت رسیدن به هدف اصلی جامعه خویش تلاش کند.

بدیهی است که در یک جامعه اسلامی نیز مصون نگه داشتن جامعه از نیرنگ‌های دشمنان و رقیبان کاری بسیار سخت و البته مهم است. برای احیای این امر، فرد مورد نظر باید قوانین اسلام و جمهوری اسلامی را بشناسد و قبول داشته باشد تا بتواند از جامعه اسلامی در مقابل رقیبان حفاظت کند و باید به اندازه کافی در برابر دشمنان صبور و مقاوم باشد تا بتواند جامعه را به بستری برای رشد اعضای آن تبدیل کند.

#### از ویژگی‌های مورد نیاز می‌توان به:

ایمان و اعتقاد به خدا، انقلاب، قانون اساسی و مردم و داشتن روحیه مقاوم در برابر دشمنان، اشاره کرد. بدون شک یکی از وظایف افراد جامعه این است که فردی را به عنوان مدیر اجرایی کشور برگزینند که همه صفات لازم جهت به بار نشاندن اهداف کشور را داشته باشد و یکی از آن صفات این است که:

اولاً باید به خدا، انقلاب، قانون اساسی و مردم ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ ثانیاً دارای روحیه‌ی مقاوم در برابر دشمنان باشد. پس باید دید که آیا نامزد انتخابی ما دارای چنین روحیه‌ای هست و از اعمال و کردارش می‌توان این ویژگی‌ها را استنباط کرد یا خیر. اگر پاسخ مثبت بود باید برویم به سراغ بررسی صفات دیگر که در شماره‌های آینده نشریه به هر کدام خواهیم پرداخت و دوباره تاکید می‌کنیم که باید تمام جوانب مورد بررسی قرار بگیرند تا بتوان به انتخابی درست و سنجیده رسید.

اگر تصمیمی نباشد، هدفی برای رسیدن وجود ندارد و یا اگر تصمیم و انتخابی باشد اما در راه درستی نباشد خواهیم دید که هر چه بیشتر در راه آن انتخاب پیش می‌رویم و تلاش می‌کنیم، از اهداف متعالی جامعه دورتر می‌شویم. هیچ جامعه‌ای، تغییر مثبتی نخواهد داشت، مگر اینکه افراد آن جامعه تصمیم بر ایجاد تغییر مثبت در جامعه‌شان را داشته باشند و برایش تلاش کنند.



در جواب این سوال باید گفت که هرکس می‌تواند انتخاب متفاوتی از دیگری داشته باشد، اما آن چیزی که به عنوان وظیفه اجتماعی فرد تلقی می‌شود این است که تمام جوانب را بسنجد و آگاهانه انتخاب کند. اگر این اتفاق رخ دهد، قطعاً نتیجه این‌گونه انتخاب‌ها در جامعه ثمربخش خواهد بود. یکی از موارد خیلی مهم که انتخابش بر آینده کشور و جامعه ما اثر مستقیم دارد، انتخابات ریاست جمهوری است که برای آن ملاک‌های بسیار زیادی جهت انتخاب صحیح را می‌توان مورد بررسی قرار داد. با اقتباس از یکی از منابع خارجی در مورد چگونگی انتخاب رئیس جمهور، می‌توان گفت انتخاب فرد مناسب ریاست جمهوری یک انتخاب نیست بلکه مجموعه‌ای از انتخاب‌هاست!

« إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ »  
«خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملت) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!»

سوره مبارکه الرعد آیه ۱۱



## به من نگاه کن!

### تمایل داریم دیده شویم یا ببینیم، شما چی فکر می کنید؟

#### کوثر زکی زاده - کارشناسی شهرسازی

دیدن در لغت‌نامه دهخدا: نگرستن، رویت کردن، نگاه کردن، **نظر** انداختن، عیان، معاینه و رویت آن چه برابر **چشم** است، آورده شده است. با نگاهی دقیق‌تر اروین یالوم، روانپزشک هستی‌گرا در کتاب روان‌درمانی اگزستانسیال این‌طور تعریف کرده است که: «دیده شدن صرفاً به معنای انعکاس تصویر خود در شبکیه چشمان دیگری و مواجهه مستقیم با افراد و مشاهده از طریق حس بینایی، نیست، بلکه معنای وسیع‌تری دارد. البته که یکی از انواع دیده شدن، معنای مرسوم و متعارف آن است. اما به طور دقیق‌تر، به همه آن چه که موجب می‌گردد تا افراد، شخص را در ذهن و ضمیر خود حاضر یافته و در کانون توجه‌شان قرار دهند و به نحوی مستقیم و یا غیر مستقیم به او ببینند، گفته می‌شود». در این پرونده اجتماعی می‌پردازیم به موضوع میل به دیده شدن و عواقب و آثاری که به دلیل عدم کنترل این اشتیاق فطری، در جامعه به وجود آمده است. بنابراین، در گام نخست؛ میل به شناختن و شناساندن انسان بررسی می‌شود.

#### ودیع‌های از خالق در مخلوق

در کتاب من و جز من آقای غلامحسین ابراهیمی دینانی، موضوع میل به دیده شدن با نگاهی فلسفی بررسی شده است. در این مبحث این سوال طرح شده است که اگر انسان را بین دو امر شناختن و شناخته شدن مخیر نمود، کدام را انتخاب می‌کند؟ پاسخی که ممکن است عرفا به این سوال بدهند شناختن است. در حالی که این امر نیز میلی نهفته به شناخته شدن دارد. چون انگیزه این شناخت صرف و گمنامی، شناخته شدن در محضر خدا و اولیای اله است. بنابراین شناخته شدن ارجح بر شناختن است همانطور که خداوند در جواب سوال «پروردگارا، برای چه خلق را آفریدی؟» حضرت داوود علیه سلام، فرمودند که: «گنجی پنهان بودم، دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق را آفریدم تا مرا بشناسند»<sup>۱</sup>

خداوند صاحب کمال است، و کمال میل به تجلی دارد همان‌طور در هر پدیده‌ای آثار قدرت و تدبیرش را نهاده‌ایته کرده است. از آنجایی که خداوند در هر مخلوق و موجود استعداد و هنری قرار داده است. آن مخلوق به اراده (انسان) و بی‌اراده (حیوانات و نباتات) کمال خود



را به نمایش و در معرض شناخته شدن قرار می‌دهد. بنابراین میل به دیده شدن یکی از امور فطری مشترک بین تمام مخلوقات است.

#### اختیار، موثر بر دیده شدن

برداشت دیگری که از این مبحث می‌شود، می‌توان اشاره کرد که قدرت اختیار در سایر امور فطری انسان نیز تاثیر گذار بوده و در موضوع میل به دیدن نیز اثر خود را گذاشته است. بدین ترتیب که انسان متفاوت از حیوانات و نباتات در شناساندن خود زیرکی و دوراندیشی می‌کند. یعنی علاوه بر این که میل به شناساندن خود دارد به همان میزان نیز سعی در پنهان کردن عیوب خود دارد و همین خصلت پوشاندن عیوب دالی بر این غریزه درونی است. هر موجودی که حسن خود را یافت، میل به آشکار کردن آن دارد، ولی در مرحله‌ای به او گفته می‌شود که این آشکاری به صلاح تو نیست. همه انسان‌ها به این مرحله از رشد نمی‌رسند. حیوانات و نباتات که فاقد قوه فکری و ادراکی هستند، زیبایی خود را آشکار کرده و صید می‌شوند. اما عقل دوراندیش به انسان می‌گوید اگر به دنبال بقا هستی نباید خودت را در معرض دیده شدن قرار دهی! چرا که ظرفیت درک انسان‌ها متفاوت با یکدیگر است.

#### نیاز بعد از ظرفیت است!

از همین‌روی انسان‌هایی که به معنای واقعی صاحب حسن و کمال هستند، بیشتر میل به پنهان کردن و پوشاندن آن‌ها دارند و مدام به دنبال، چشم، گوش و قلب‌هایی مشتاق و طالب می‌گردند. چرا که آشکار کردن کمال در برابر قلب‌ها و دیدگانی که تحمل و ظرفیت وجودی ندارند باعث انحراف در افکار و ذهن‌ها می‌شود. همین موضوع در برابر خداوند نیز صدق می‌کند؛ خداوند در هر پدیده‌ای زیبایی‌هایش آشکار است اما هرکسی به قدر ظرفیت و استعداد خود درک می‌کند. آقای یالوم نیز با دیدگاه معطوف به فرد به این موضوع نگاه می‌کند که همه افراد به یک اندازه و میزان نیاز به دیده شدن را در خود احساس نمی‌کنند و این نیاز دست کم به دو عامل وابسته است: اولاً، به ساختار روانی افراد (دورن‌گرا - برون‌گرا) و ثانیاً این موضوع که شخص در کجای نردبان فردیت دخیوش ایستاده و

چه درجه‌ای از فرهیختگی را کسب کرده باشد. همچنین او معتقد است که: «به میزان فرهیبهی درون، نیاز به دیده شدن، کم می‌شود و متقابلاً، موجودیت درماندگان، در اسارت نظر و نگاه‌های دیگرانند».

#### مسئله!

هیچ انسانی وجود ندارد که خود را فاقد کمال و استعداد بداند. ولو این که فرد مجرم و یا فاقد جایگاه اجتماعی باشد. یالوم همچنین در این خصوص می‌گوید که: «بیگانگی از خود و داشتن درونی بیهوده و پوچ، وابستگی آدمی را به دیگران و نگاه‌های آنان بیشتر می‌کند تا جایی که فقط تا وقتی کسانی او را ببینند، احساس می‌کند وجود دارد». به همین دلیل میل به دیده شدن زمانی به یک مشکل تبدیل می‌گردد که در جامعه ارزش‌های حقیقی کم‌رنگ باشد و تنها تب دیده شدن و ابراز وجود باقی بماند. در یک کلام ماندن در صحنه چشم‌ها به هر قیمت! کسانی که سقف "هستی" خود را بر ستون توجه و نگاه دیگران قرار می‌دهند، زندگی فروریختنی و ناپایداری را در حضور دیگران تجربه می‌کنند. چنین شخصی، تا زمانی می‌تواند حس بودن و زیستن داشته باشد که کسی او را نگاه کند و یا در خاطره‌ای حضور داشته باشد. انسانی که در باطن خود تهی باشد، بزرگترین رنجش، رنج تنهایی و دیده نشدن است. زیرا برای احساس زنده بودن و زیستن، محتاج تصدیق دیگران است.

#### و در آخر...

میل به دیده شدن و داشتن خواستگاه و شان اجتماعی، نیاز هر فردی در جامعه می‌باشد اما کنترل و نگاه زیرکانه به آن سبب بقای فرد در جامعه و حضور تاثیرگذارش می‌شود. مسئله حادی که امروزه جامعه درگیر آن شده است، تولید سلبریتی و یا به اصطلاح شخصیت‌های اجراکننده‌ای است که به علت پشتوانه اجتماعی قدرت تاثیر و نفوذ عمیقی در کنترل اذهان عمومی دارند. در شماره بعدی می‌پردازیم به ماهیت شخصیت اجرا کننده و تاثیری که میل به دیده شدن صرف در جامعه می‌گذارد.



جوان بودن فرصتی است برای جهانی نگرستن و، جهانی گام برداشتن. تابحال فکر کرده‌اید که شاید، بی‌توانستید کودک شادتر و سرزنده‌تری باشید؟! اکثر ما وقتی به دوران گذشته نگاه می‌کنیم، معمولاً افسوس می‌خوریم که چقدر بی‌دغدغه‌تر و شادتر زندگی می‌کردیم و می‌گوییم که ای کاش می‌شد به همان سال‌ها برگشت. اما هیچوقت فرصت نکرديم که درست ببیندشیم و درست در زمان حالی که هستیم زندگی را بسازیم. می‌خواهم از عنصری از جامعه بگویم که هم امید دنیا دیده‌هاست و هم تشکیل‌دهنده کودکان آینده است، هم چشم دشمن به اوست و هم دغدغه آینده بر سر اوست. کلمه‌ای که بار مفهومی سنگینی در عمل بر دوش اوست و بزرگترین صفات در وصفش همیشه به‌کار رفته‌است؛ از شادابی و سرزندگی گرفته تا فعالیت‌های سخت و پیچیده. اگر بخواهم جوان امروز را با جوان دیروز مقایسه کنم هم آگاه‌تر شده‌است، هم بیشتر دغدغه‌مند شده‌است و هم برای رسیدن به اهدافش کوه را هم هموار می‌کند. اما آیا جوان امروز همان جوانی است که حضرت علی اکبر علیه‌السلام در طی سال‌ها مقاومت در کنار امام حسین علیه‌السلام به تصویر کشید؟! همان جوان مبارز، مطیع پدر، مهربان و بافتخار... جوانی که تا دشمن اسمش را می‌شنید، هو به تنش سیخ می‌شد؟ فرض کنید در کودالی افتاده‌اید که هرچه بیشتر تقلا می‌کنید بیشتر به عمق گودال می‌روید دو فرد در بالای آن گودال قرار دارند. یک نفر که ظاهر نسبتاً موجهی دارد طنابی محکم و مقاوم و دیگری که ثروتمندتر است طنابی نازک را به درون گودال برای کمک به شما می‌اندازد؛ طبیعتاً طناب محکم را می‌گیرید و طبیعتاً خود را آنقدر دوست دارید که حاضر نیستید به صاحب آن طناب حتی فکر کنید، طناب را می‌گیرید و بالا می‌روید...

جوان امروز درست در وسط همین گودال قرار دارد، دشمنی داخلی با ظاهری ثروتمند و پویا شما را دعوت به راهی می‌کند (حکایت همان دست آهنی با دستکش مخملی) و خب طبیعتاً جوانی که کلیت جامعه را تشکیل می‌دهد با انتخاب راه آن شخص نه تنها خود بلکه یک ملت را درگیر راه اشتباه می‌کند.

چرا ما راه اشتباه را انتخاب می‌کنیم؟ طبق شواهد اکثر جوانان هیچوقت از جنگ نرم داخلی خبردار نمی‌شوند و گول تمام وعده و وعیدهای را می‌خورند که شاید یک روز قرار است عملی بشود یا نشود و خب همین جوان وارد عرصه فعالیت در حوزه‌های گوناگون می‌شود، تجربه کسب می‌کند و می‌شود همان انسان ۵۰ ساله دنیا دیده این‌بار مانند همیشه به عقب نگاه می‌کند و می‌گوید که ای کاش جوان متفکرتی بودم تا الان جامعه و زندگی تحت‌الشعاع انتخابم در گذشته قرار نمی‌گرفت.

جوان امروز همان ۵۰ ساله فرداست اما اینبار جوان امروز آگاه‌تر از آن است که راه را به این سادگی تسلیم دست دشمن کند. جوان امروز، آینده فردا در دستانتوست، آینده فرزندانتان در دستانتوست؛ تو هم اکنون همه‌ای و همه چشم امیدشان به توست. بنگر درست‌تر از قبل، متفکرت‌تر از قبل و باالیزه‌تر از قبل در راه ساختن آینده کشورمان دغدغه‌مند گام بردار...

جوان امروز چشم یک جهان به توست، جهانی بنگر و جهانی گام بردار...



## سلامت زنان بررسی جایگاه زنان در اجتماع

مائده ایران نژاد - شهرسازی ۹۷



منظور از سازگاری و هماهنگی تلاش در جهت تعالی و تکامل دوسویه با وجود تفاوت‌های طبیعی است. این شرایط اجتماعی خانواده و فرهنگ است که عوامل موثر در شخصیت افراد به شمار می‌آید و دوگانگی‌هایی در چگونگی رفتار و کارهای زن و مرد می‌آفریند. اینجاست که رسالت خانواده یعنی تفاهم و دوستی متقابل و تعامل با گرایش‌های مختلف به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده واحد شخصیت به صورت دقیق تعیین می‌شود. پس سلامت خانواده همان سازگاری و هماهنگی بین اعضای خانواده است. اما این هماهنگی را چه کسی مدیریت می‌کند؟ در شماره بعدی برای پاسخ به این سوال و سوال‌های دیگر می‌کوشیم.

از این شماره، در نشریه‌ی صبح صادق، به موضوع سلامت زنان و در پی آن سلامت خانواده که موضوع کمتر پرداخته‌شده در رسانه است، می‌پردازیم. سلامت مفهومی گسترده است و تمام ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد. بنیان‌های ایجاد خانواده بیانگر ارزش معنوی آن است. زیرا قرآن خانواده را مبتنی بر چند رکن می‌داند که عبارتند از: آرامش و سکون، عشق و دوستی و انس و الفت.

آیه ۲۱ سوره روم: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً

از این آیه استناد می‌شود اساس روابط اجتماع در خانواده تفاهم متقابل است. انسانیت وقتی در عرصه معنویت استقرار می‌یابد که انسان‌ها باهم باشند و بتوانند به درستی باهم زندگی کنند. تعامل و همزیستی انسان‌ها در کنار هم است که می‌تواند همه‌ی مقوله‌های مطرح در عرصه‌ی حیات را معنا بخشد. سعادت یا تلخ کامی، خوبی یا بدی، فقط در تعامل انسان‌ها معنا می‌یابد. پس انسان اجتماعی است و غیر از زیستن در اجتماع راه چاره‌ای ندارد و اولین سلول پدید آورنده اجتماع برای انسان خانواده است. به اعتبار این فلسفه اندیشمندان می‌گویند: خانواده هم مکتب پرورش انسان و اجتماعی شدن اوست و هم پناهگاه و مامن او. ماهیت خانواده به گونه‌ای است که احساس و عاطفه در آن حرف اول را می‌زند.

دکتر سید مصطفی محقق در تحقیق ژرفکاوانه‌اش موضوع جالبی را مطرح کرده است: بیشتر واژه‌های به‌کار رفته در مورد نهادهای حقوقی در روابط اعضای خانواده به گونه‌ای است که واژه ویژگی اخلاقی عاطفی دارد. چنانکه واژه‌ی صدق مفهوم صدق را دربردارد و واژه‌ی نخله مفهوم هدیه دادن از طرف همسر را برمی‌تابد. پیامدهای رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابطشان با فرزندان است. پس باید سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر مشهود باشد.

انسانیت وقتی در عرصه معنویت استقرار می‌یابد که انسان‌ها باهم باشند و بتوانند به درستی باهم زندگی کنند. تعامل و همزیستی انسان‌ها در کنار هم است که می‌تواند همه‌ی مقوله‌های مطرح در عرصه‌ی حیات را معنا بخشد. سعادت یا تلخ کامی، خوبی یا بدی، فقط در تعامل انسان‌ها معنا می‌یابد. پس انسان اجتماعی است و غیر از زیستن در اجتماع راه چاره‌ای ندارد و اولین سلول پدید آورنده اجتماع برای انسان خانواده است

منطق اسلامی جایگاه بالایی دارد و این خود نشان از گستردگی دانایی و علم این شهید مبارز دارد. با بلندشدن صدای دادخواهی مردم عراق در پی ظلم بیش از اندازه حزب بعث عراق سید محسن حکیم استاد شهید صدر به دادخواهی مردم به‌پاخواست و شهید صدر هم در همین بستر به مبارزه پرداخت. پس از درگذشت سید محسن حکیم مردم به دنبال فردی به عنوان جایگزین بودند که بهتر از سید محمدباقر صدر در میانشان نبود و ایشان به عنوان رهبر مبارزات علیه حزب بعث عراق شناخته شد.

**شخصیت ایشان بقدری والا بود و برای امت شیعه دارای اهمیت که امام خمینی پس از شنیدن خبر شهادت ایشان برای جامعه تشیع ۳ روز عزای عمومی اعلام کرد. حال باید پرسید چرا باید جای این مجاهد عالی مقام در کتب درسی ما که در کشور اسلامی هستیم خالی باشد؟**



تصویر شهید صدر در کنار امام موسی صدر

مبارزات ایشان بی‌وقفه و بدون خستگی حتی باوجود خطرات زیاد ادامه داشت. چندین بار زندانی شدن توسط حزب ظالم بعث ذره‌ای از شوق و شور و آتش خشم ایشان برای مبارزه و دادخواهی کم نکرد و در این راه خانواده ایشان از جمله خواهر گرامیشان ایشان را همراهی می‌کردند و حتی نزدیک به ۱۰۰ تن از عشیره ایشان به دستور صدام حسین به شهادت رسیدند. اما بازهم مبارزه با ظلمی آشکار ادامه داشت. سرانجام ایشان مدتی در منزل شخصی خود زندانی شد و حزب بعث که فهمیده بود مبارزات ایشان حتی از پشت دیوارهای خانه هم به قدرت قبل و حتی بیشتر همچنان باقیست تصمیم به اعدام ایشان گرفت و در ۲۲ جمادی الاول سال ۱۴۰۰ هجری قمری (۱۹ فروردین ۱۳۵۹) به دستور شخص صدام حسین به همراه خواهرش به شهادت رسید...

شخصیت ایشان بقدری والا بود و برای امت شیعه دارای اهمیت که امام خمینی پس از شنیدن خبر شهادت ایشان برای جامعه تشیع ۳ روز عزای عمومی اعلام کرد. حال باید پرسید چرا باید جای زندگی و شهادت این مجاهد عالی مقام در کتب درسی ما که در کشور اسلامی هستیم خالی باشد؟ و داستان آغاز می‌شود...



## پیر آوازه گمنام روایتی از عالم مجاهد، شهید محمدباقر صدر

زینب عقیلی - نویسنده



نام سید محمدباقر صدر در نظر خیلی‌ها نامی آشناست. بارها شنیده‌ایم و بارها دیده‌ایم. شاید بیشتر در لیست وقایع فروردین ماه، ۱۹ فروردین ماه به این عنوان ثبت شده است:

"شهادت سید محمدباقر صدر و خواهرایشان بنت‌الهدی صدر"  
بارها و بارها، شاید به اندازه هر بار ورق زدن صفحات پرواچه تقویم دیده باشیم، اما تا به حال چندبار این سوال را پرسیده‌ایم که:  
"محمدباقر صدر چه کسی بود؟"  
"چرا به شهادت رسید؟"  
"به دست کدام دولت، رژیم و یا فردی به شهادت رسید؟" شاید برای خیلی از ما سوال باشد، اما چقدر به دنبال یافتن جواب بوده ایم؟

**چون برادرش عهده‌دار تربیت دینی ایشان بود متوجه استعداد بسیار بالای ایشان در درک و یادگیری اصول فقه شد و در همان سال به نجف رفتند تا او در حوزه علمیه آن شهر که یک از بهترین‌های آن دوران بود ادامه تحصیل بدهد.**

حداقل برای من، تا چند روز قبل سوال بود. در مطالعه زندگی‌نامه این شهید مظلوم به نکات جالب و قابل توجهی رسیده‌ام که شنیدن و خواندن آن خالی از لطف نیست. سید محمدباقر صدر در تاریخ ۱۰ اسفند سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در کاظمین عراق در خانواده‌ای معتقد به اصول دینی دیده به جهان گشود. خانواده‌ای پر آوازه در عراق و عشیره‌ای معروف و به نسبت پرجمعیت. او تنها سه سال بیشتر نداشت که پدرش - سید حیدر صدر عاملی - دیده از جهان فرو بست و او ماند و مادر و خواهرش - بنت‌الهدی - و برادرش سید اسماعیل صدر. به سبب سن کم، تربیت او به‌عهده مادر بزرگوارش و برادرش محول شد که الحق والانصاف در تربیتش کوتاهی نکردند و برایش سنگ تمام گذاشتند. مدتی گذشت و حال سید محمد باقر ۱۲ ساله شد. چون برادرش عهده‌دار تربیت دینی ایشان بود متوجه استعداد بسیار بالای ایشان در درک و یادگیری اصول فقه شد و در همان سال به نجف رفتند تا او در حوزه علمیه آن شهر که یک از بهترین‌های آن دوران بود ادامه تحصیل بدهد. او در محضر عالمان بزرگی همچون "سید ابوالقاسم خویی" و "سید محسن حکیم" علم‌آموزی کرد و همچنین جهت یادگیری اصول فلسفه اسلامی به نزد "اسفار ملاصدرا" یعنی همان ملاصدرا معروف رفت و مطرح شدن شاگردی ایشان نزد علامه محمدتقی جعفری باتوجه به استعداد بالای ایشان دور از واقعیت نیست. بهره‌مند شدن ایشان از محضر عالمان بنام آن دوران، از ایشان متفکر، سیاستمدار و مبارزی نکو ساخت. از جمله اقدامات این عالم مجاهد می‌توان به تاسیس "حزب الدعوة" در سال ۱۳۲۷ هجری قمری (۱۳۲۶ هجری شمسی) و راهاندازی مجله‌ای به نام "الاضواء" در سال ۱۳۳۰ هجری قمری (۱۳۳۹ هجری شمسی) می‌باشد. این‌ها فقط گوشه‌ای از فعالیت‌های ایشان است. از دیگر آثار مثبت ایشان می‌توان به بنیان‌گذاری "منطق استقرایی" اشاره کرد که در بحث





## عید باستانی نوروز نگاهی به ریشه عید نوروز

فاطمه فروتن - کارشناسی انرژی



"آداب و رسوم ایرانیان در عید نوروز" قرن‌هاست که شروع فصل بهار و سال نو، با مجموعه‌ای از آداب و رسوم، که از ماه اسفند شروع شده و تا سیزدهم فروردین ادامه پیدا می‌کنند، گرامی داشته می‌شود. مراسمی چون خانه تکانی، زیارت اهل قیور، خرید سال نو، کاشتن سبزه، دعای تحویل سال، چیدن سفره هفت سین، حاجی فیروز، عمو نوروز، دید و بازدید عید، سبزه به در و ... همه‌ی ما می‌دانیم که عید نوروز یک نقطه‌ی عطف در هر سال از زندگی ما ایرانیان است، سرشار از خاطرات و روزهای خوبی که با تازگی و طراوت شروع می‌شود، که یکی از ویژگی‌های عید نوروز اجرای همون آداب و رسوم ویژه در هر منطقه از ایران است و از گذشته‌ها تا کنون نوروز در هریک از شهرهای مختلف ایران دارای آداب و رسوم خاصی است. برخی از این آداب و رسوم به مرور کم‌رنگ‌تر شده و برخی از آیین نوروزی در شهرهای مختلف ایران همچنان انجام می‌شوند. چه خوب می‌شود اگر در راستای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این آیین باستانی تلاش کنیم و اجازه ندهیم مانند جشن‌های باستانی دیگر، جشن عید نوروز نیز به مرور زمان فراموش شود و جشن‌های فرهنگی جای آن را بگیرد. فرارسیدن «نوروز باستانی» و آغاز سال نو را به شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و در پرتو الطاف بیکران خداوندی، سلامتی و بهروزی، طراوت و شادکامی، عزت و کامیابی را برای شما آرزومندم. روزهایتان بهاری و بهارتان جاودانه باد

چه خوب می‌شود اگر در راستای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این آیین باستانی تلاش کنیم و اجازه ندهیم مانند جشن‌های باستانی دیگر، جشن عید نوروز نیز به مرور زمان فراموش شود و جشن‌های فرهنگی جای آن را بگیرد.



نوروز، آیین دیرینه در ایران باستان است. قدمتی طولانی که از زمان‌های گذشته، در زمان کوروش و در متن شاهنامه تا هم اکنون بوده‌است. در واقع برگزاری مراسم نوروز در هر دوره ۴ ساله، یک روز از موعد اصلی خود عقب می‌ماند و در نتیجه زمان نوروز در این دوران همواره ثابت نبوده و در فصل‌های گوناگون سال جاری بوده‌است. پنج روز نخست فروردین جشنی همگانی بین عموم مردم بود از این رو آن را نوروز عامه نامیده‌اند. روز ششم فروردین که جشن نوروز به گونه‌ی دیگری برگزار می‌شده‌است نوروز بزرگ نام داشته‌است و با مجموعه رسم‌های جشن بهاری نوروز با جشن سوری و آتش‌افروزی آغاز می‌شد و پس از برگزاری مراسم سال نو، در روز سیزده فروردین پایان می‌یافته‌است. قصد زیارت قبور انبیاء و اولیای الهی تأکید شده و درسیره امت اسلامی این عمل امری مسلم و ثابت شده می‌باشد.

یکی از جشن‌های ایران باستان که بعد از گذشت سال‌ها، مردم همچنان آن را هر سال باشکوه‌تر برگزار می‌کنند، عید نوروز است. عید نوروز با شروع سال نو همراه است و افراد در این ایام رسوم مختلفی را دنبال می‌کنند و سال جدید را به یکدیگر تبریک می‌گویند. در واقع نوروز اولین روز بهار است، روزی که باد بهاری به آرامی شروع به وزیدن می‌کند، بوی بهار را با خودش به همراه می‌آورد و آنجاست که بهار برای ما ایرانیان یعنی تولد دوباره، یعنی آغازی دوباره، یعنی جشن عید نوروز. جشنی که یکی از بزرگترین جشن‌های ایرانیان است. این جشن با تحویل سال نو، شروع فصل بهار، لحظه‌ای که خورشید در سیر ظاهری خود در ابتدای برج حمل، از استوای زمین گذشته و برابری روز و شب رخ می‌دهد، آغاز می‌شود.

همه‌ی ما می‌دانیم که عید نوروز یک نقطه‌ی عطف در هر سال از زندگی ما ایرانیان است، که یکی از ویژگی‌های عید نوروز اجرای همون آداب و رسوم ویژه در هر منطقه از ایران است و از گذشته‌ها تا کنون نوروز در هریک از شهرهای مختلف ایران دارای آداب و رسوم خاصی است.





## بد یادمان داده‌اند پیرامون جشن یک منتظر

ریحانه تفقدی نویان - کامپیوتر ۹۶

از همان وقت که در گوشمان خواندند: عمری به انتظار نشستیم، نیامدی؛ بد یادمان داده‌اند که آدم منتظر باید گوشه‌ای بنشیند و چشم‌های پر از بغضش را وصله بزند به در. نگفتند منتظر اگر منتظر باشد، باید ثانیه‌ها را بدود در عمق و نایستد به نفس تازه کردنی حتی، که ایستادن، مروریدهای حلقه وصل را به یغما خواهد برد...

آدم تشنه که با یک کاسه خالی یک جا نمی‌نشیند و در انتظار بارانی که پیاله‌اش را پر کند از زندگی. آدم تشنه بلند می‌شود و اتاق به اتاق، کوچه به کوچه، خیابان به خیابان، شهر به شهر، در پی جرعه‌ای آب برای رفع عطش می‌گردد. منتظر، بی بهانه‌ایست که طناب دلتنگی‌هایش را کوتاه کند، طنابی که به پای دلش پیچیده و گاه و بی‌گاه چشم‌هایش را مهمان می‌کند به یک فنجان بغض، منتظر با قدم‌هایش تسیح گوی وصال است...

بد یادمان داده‌اند که آدم منتظر  
باید گوشه‌ای بنشیند و  
چشم‌های پر از بغضش را وصله  
بزند به در. نگفتند منتظر اگر  
منتظر باشد، باید ثانیه‌ها را بدود  
در عمق و نایستد به نفس تازه  
کردنی حتی، که ایستادن،  
مروریدهای حلقه وصل را به  
یغما خواهد برد

منتظری انتظار بهار را می‌کشد که زمستان در عمق جاننش نشسته باشد، که باور زمستان برایش، تنها خاطره مادر بزرگ از کرسی نشینی‌های سی سال قبل نباشد، که حضور زمستان در ثانیه‌هایش متجلی شده باشد و چنین منتظری وقتی نجوای "یا ربیع الانام" در کوچه‌های شهر می‌پیچد طعم بهار، یک لحظه هم از جاننش رخت بر نمی‌بندد و هر ثانیه دلتنگ‌تر می‌شود برای بهار... برای بهار دل، بهار جان، نه بهاری که در بطن خود "اردیبهشتی" را دارد که بی‌بهشت حضور یار، کم از جهنم ندارد.

مادر بزرگ می‌گفت: انتظار بهار، آداب دارد - مگر می‌شود بهار را بی خانه تکانی منتظر بود؟ مگر می‌شود انتظار بهار را با ناامیدی در آمیخت؟

اینکه ما در روزهایی هستیم که به انتظار بهار نشستیم آن هم بی دل تکانی، اینکه منتظر سیراب شدن مانده‌ایم بی تلاش برای عطش، بی انتظار واژه بی ارتباطیست با حل این روزهایمان. اصلاً بگذار از نو شروع کنم، هر کدام حتماً بارها تجربه انتظار کشیدن را در زندگی‌مان داشته‌ایم، انتظار برای رفتن به سفری، انتظار برای آمدن کسی، انتظار برای خریدن چیزی، انتظار برای رسیدن به آرزویی و ... و ... هر کدام مان خوب می‌دانیم هر ثانیه انتظار، هزار سال می‌گذرد یعنی چه... همه جا شنیده‌ایم و همه جا گفته‌ایم از انتظار موعودی که قرار است منجی زمان بشود، از انتظار منتظران سروده‌ایم و سروده‌ایم ... اما از حال منتظر منتظر نگفته‌ایم ... نگفته‌ایم از مردی که هزار سال است، منتظر بودن را زندگی می‌کند، آن منتظر اذن الهی ... اینکه هر ثانیه انتظارش هزار سال بر او می‌گذرد بماند ... اینکه هر لحظه صحنه عاشورا جلوی چشمش مجسم می‌شود بماند ... این که بغض کوچه بنی‌هاشم یک لحظه رهایش نمی‌کند بماند ... این که بر سر دوست‌داران و شیعه‌هایش بلا می‌آورند و محکوم به صبر است بماند...

منتظری انتظار بهار را می‌کشد  
که زمستان در عمق جاننش  
نشسته باشد، که باور زمستان  
برایش، تنها خاطره مادر بزرگ از  
کرسی نشینی‌های سی سال قبل  
نباشد، که حضور زمستان در  
ثانیه‌هایش متجلی شده باشد و  
چنین منتظری وقتی نجوای "یا  
ربیع الانام" در کوچه‌های شهر  
می‌پیچد طعم بهار، یک لحظه هم  
از جاننش رخت بر نمی‌بندد و هر  
ثانیه دلتنگ‌تر می‌شود برای  
بهار...

کمر گفته‌ایم از مردی که هزار سال است منتظر است، که هر ثانیه این انتظار هزار سال بر او می‌گذرد، موعودی که وارث تنهایی جدش امیرالمومنین علیه‌السلام است، این که او سال‌هاست منتظرتر از ما بوده در همه ثانیه‌هایی که شاید چاه‌های دنیا همدم بغض‌های شبانه‌اش بوده‌اند، و این روزها در امتداد همه چشم به راهی‌هایش، غریب‌ترین جشن تولد دنیا را به نظاره نشسته است ... جشنی که صاحبش در آن هست و نیست، و ما هم شادی‌کنان در این جشنیم، گاهی بدون اینکه حس کنیم، چشم‌های منتظرش گوشه‌ای گواه حال‌مان شده. شاید به انتظار داعی، به انتظار قدمی برای ظهوری ...



# انتظار

## نگاهی متفاوت به مسئله انتظار

سیده نفیسه حسینی - مهندسی کامپیوتر ۹۵



یعنی تصورمان از نامطلوب بودن، وضعیت غلواًمیز و غیرواقعی باشد که همین مسئله باعث اقدامات عجولانه و تخریب وجود مطلوب اعتراض می‌شود. آفت دیگر آن ناامیدی از رسیدن به وضع مطلوب است که در اثر ندیدن زمینه‌ها و استعدادها در وضع موجود پدید می‌آید. و آفت دیگر اعتراض، منفی‌نگری مطلق است که به پوچ‌انگاری می‌انجامد و نشانه‌ی غلبه‌ی احساسات سطحی است. کسی که در میدان تحلیل تبلیلی دارد با خلاصه کردن همه چیز در مطلق‌نگری، همه چیز را خراب می‌بیند؛ یکی از مصادیق مهم آفات اعتراض، این است که الان، در این نظام مقدس و انقلاب نورانی، بعضی‌ها با قدرشناسی از فرصت عظیم به دست آمده به بهانه اعتراض به وضع موجود و انتظار فرج، وجوه مثبت جاری در جامعه اسلامی را نادیده گرفته و به مقدمه‌سازی برای فرج بی‌اعتنایی می‌کنند.

در همین سال‌های اخیر بود که رهبری معظم انقلاب، آیت الله خامنه‌ای با بیان این نکته که رویش‌های انقلاب بسیار بیشتر از ریزش‌های آن بوده است، بارها و بارها سعی در تبیین این مسئله و جلوگیری از گسترش این باور آفت زده داشتند. یک منتظر معتز، می‌داند که خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی با همه فاصله‌اش نسبت به حکومت حضرت، عین خدمت در خیمه حضرت واجب است و این انقلاب اسلامی را راهی برای رسیدن به ساحل نجات می‌داند.

اینک به بهانه‌ی دوازدهم فروردین ماه، روز جمهوری اسلامی، بیان می‌داریم که این انتخاب قابل دفاع‌ترین انتخاب ما بوده است و تا پای جان برای آن خواهیم جنگید. همانطور که بنیانگذار این انقلاب نورانی امام خمینی (ره) فرمودند: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران بخوانند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم...»

بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شمامست.» (صحیفه‌ی امام، ج ۲۰، ص ۲۲۵)

پس انتظار هیچ سختی با سازش‌کاری ندارد و به دوست نداشتن و دشمنی داشتن هم ختم نمی‌شود و ممکن است کار به دشمنی کردن هم برسد...

منتظر نمی‌تواند حتی لحظه‌ای! در خیمه ظالمان قرار بگیرد، منتظر منفعل نیست و همیشه در برابر دشمنان عدالت می‌ایستد. بنابراین تنها کسانی می‌توانند منتظر باشند که حاضرند هزینه‌های اعتراض را بپردازند ...

در عمر چهل و اندی ساله انقلاب عزیز ما، همواره بر این باور بوده‌ایم که برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله زینمه‌ساز باشیم و این زمینه‌سازی و انتظار جز با دشمنی و مبارزه با استکبار جهانی آمریکا و شر مطلق عالم اسرائیل، میسر نمی‌شود. یکی از شعارهای بسیار بجا و زیبایی که سال‌های اخیر در راهپیمایی‌ها و گردهمایی‌ها فریاد می‌شود، این است:

نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا!

گفتیم که اعتراض هزینه دارد و در طی این سال‌ها از جنگ تحمیلی گرفته تا تحریم‌های مختلف سیاسی، دارویی، اقتصادی و ... و حتی ترورهای متعدد، دانشمندان و فعالان عرصه‌ی انقلاب، هزینه‌هایی وارد شده است که مردم مومن و منتظر این دیار با مال و جان و آبروی خود این هزینه‌ها را پرداخت کردند و کماکان پرداخت می‌کنند تا به لطف و مدد الهی و به فرمان امام (ره) که فرمودند: «ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم، ما تصمیم گرفتیم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام‌هایی را که بر این پایه استوار گردیدند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله (ص) را در جهان استکبار ترویج نماییم.» زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل‌الله باشیم.

البته اعتراض شیوه‌هایی دارد که گاهی در مقام بیان و تبیین است و گاهی در مقام ناله و فریاد! منتظر گاهی به ذکر دلایل عاقلانه می‌پردازد و گاهی به ناله‌های عاشقانه...

اما اعتراض منتظر، در فریاد باقی نمی‌ماند و فرهادوار تیشه در دست می‌گیرد و به‌جان موانع ظهور می‌افند. البته اعتراض مانند هر امر دیگری، آفت‌هایی دربردارد که یکی از موارد آن را می‌توان غلو و مبالغه در اعتراض دانست!

از چندی پیش سعی داشتیم تا لوازم مورد نیاز انتظار حضرت حجت عجل‌الله را با بیانی ساده برشماریم، در این ماه عزیز شعبان در کنار تولدهای بسیار مهم دیگر ائمه، میلاد سراسر نور و با سعادت حضرت مهدی عجل‌الله را گذرانیدیم، به همین بهانه عرض تبریک و شادباش خود را خدمت تمامی خوانندگان نشریه تقدیم می‌کنیم و امیدواریم در رکاب حضرت به تمامی وظایفمان در قالب منتظر واقعی عمل نموده و زمینه ساز ظهور باشیم انشاءالله.

در مطالب قبلی از کشف عناصر انتظار گفتیم و رسیدیم به اینکه اعتراض در دل انتظار است و منتظر واقعی نسبت به غیبت حضرت حجت عجل‌الله و نبود ایشان و فراگیری ظلم ظالمان اعتراض دارد حال بیان می‌کنیم که حد مطلوب این اعتراض دشمنی است!

البته نه اینکه با هر انسان زاویه دار با دین، دشمنی کنیم؛ خیر! باید دشمن کسانی باشیم که نه تنها ظلم و فساد کرده بلکه آن را فراگیر می‌کنند. در حقیقت باوجود پلید پدیدآورندگان اوضاع بد عالم خصومت داشته باشیم چنانچه در فرازی از دعای ندبه داریم: «این قاصص شوکت المعتمدین و این ...» کجاست آنکه شوکت ستمکاران را در هم می‌شکند؟ کجاست آن که بنا و سازمان‌های شرک و نفاق را ویران می‌کند؟

پس مشخص می‌شود که معترض با همه آدم‌ها نسبت مساوی ندارد و کارش با بعضی‌ها به دشمنی می‌کشد. حال سوالی ایجاد می‌شود که آیا کسی که تمایل دارد همه‌ی انسان‌ها تحویل بگیرد و سر جنگ با کسی ندارد جزء منتظران است؟

پاسخ این است که خیر قطعاً نیست! چرا که در سوره مانده آیه ۵۴ خداوند با برشمردن اوصافی برای قوم جایگزین به روشنی بیان می‌دارند که علت کنار گذاشتن قوم قبلی چیزی نیست جز کوتاه آمدن در برابر دشمنان خدا و ترسیدن از سرزنش سرزنش کنندگان!

بنابراین، تمایل به صلح با ظالمان و مفسدان گرایش بسیار پلیدی است که حتی باعث می‌شود سر از بدن فرزندان پیامبر صلوات الله جدا کنند. چنانکه در تاریخ امثال عمر بن سعد نمونه‌های واضح و روشنی از این حماقت بدون جبران هستند.



## شهید صدر

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

«شهید محمدباقر صدر»، انقلاب اسلامی را با آغوش باز پذیرفت، در حساس‌ترین زمان و در هنگامی که هنوز چشم‌های تهدیدگر از این انقلاب به درستی چیزی نمی‌دانستند، او با دید نافذ خود نسبت به آن یک قضاوت عمیق و مثبت و قطعی کرد. امام را شناخت، به یاران خود گفت در امام ذوب بشوید همچنانی که او در اسلام ذوب شده است.» «۱۳۶۳/۰۱/۱۸»